



عکس: اکبر سبحان

* پری زدگان

- زیلا مساعد

۲۴ شعر در

۵۳ صفحه

ناشر: باران،

چاپ اول ۱۹۹۶

قیمت ۳۰ کرون

سهراب رحیمی

شعر به میانجیگری زبان آفریده می‌شود و بزرگترین امکان آفرینشی است که انسان در اختیار دارد. شاعر شعر را می‌آفریند و با این کار، خود را نیز از نو در درون شعر می‌آفریند. آفرینش، ابداع خاص هر کسی است از خلال ابداع پایان‌ناپذیری که زبان نام دارد. زبان هم کشف است هم کاشف. شعر در تلاش برای وحدت بخشیدن به انسان تجزیه شده است، یا به هم رساندن پاره‌های پراکنده‌اش در اثر، و با پایه‌ریزی عناصر پراکنده در یک کل، بزرگترین واقع‌گرایی ممکن است. شاعر شکاف می‌پروراند، یعنی او در واقعیت ظاهری شکاف ایجاد می‌کند یا منتظر می‌ماند تا این واقعیت شکاف بردارد تا بتواند آنچه را ورای ظاهر دروغین قرار دارد، ببیند.

پری زدگان، پنجمین مجموعه شعری است که از زیلا مساعد منتظر می‌شود. شعرهای این مجموعه عموماً بازگویی خاطرات غمگین غربتند، در زبان طنز و تصویر:

مسافر جسم خویش

پناهنده

در جان خویش

و ساکن سرزمینی

که مهربان و سرد است.

گاه شاعر به خود نگاه می‌کند، به گذر زمان:

پنج سرود می‌خوانم

دیوها رفته‌اند

و من برای عشق

بسیار پیرم.

گاه شعری تاریخی ارائه می‌شود، مثل شعر انوشیروان عادل، و نشان‌دهنده این که خانم مساعد، مطلقاً شاعر عصیان و نفرین نیست. تو

گویی این شعر را کسی از یک روزنامه کننده و به این کتاب «الصاق» کرده است:

آه ای مترسک عدل

آه ای انوشیروان سنگدل

ای انوشیروان جاهل. (ص ۱۹). فقط مقداری اذیت و آزار است، که نه نصیب انوشیروان، که نصیب خواننده کرده اند.

و گاه شعری سیاسی ارائه می شود:

این طوفان تمدن است

که انسانها را جابجا می کند

که ولع ابدی انسان

ببازار اسلحه را در آن

گرمتر از بازار عشق می کند (ص ۴۷). از این شعر، که شوخی کردن با شعر است، به شعر دیگر می رویم که باز شوخی دیگری است با معرفتی که انوشیروانها هیچوقت چشم دیدنش را نداشته اند:

نه از آدمیانند

نه زاده ی دیوان

موجوداتی کوچکند

پستند

حقیرند (ص ۵۱)

با توجه به کارنامه . درخشان شاعری خانم مساعد باید بگویم ایشان در این کتاب تقریباً هیچ نکته تازه ای طرح نکرده اند. ای کاش این کتاب را منتشر نمی کردند، چرا که سطح توقع من خواننده یا کتابهای قبلی ایشان بالا رفته است آنقدر که بگویم «پری زندگان» دچار جن زدگی شده است.

شاعر، برخلاف بسیاری از آثار دیگرش، در واقعیت سهیم نمی شود. تنها گزارش می دهد، مانند یک روزنامه نگار. شاعر اگر شیفته واقعیتی است باید شیرهایش را بکشد و اگر منزجر است، رُسش را، نه آنکه از دور، به آن بدوبیراه بگوید یا درود بفرستد. شاعر، واقعیتی خاص خود نیافریده است و تنها خود را گرفتار احساسات اولیه و بی تعمق کرده است.

این خرده گیریها اگر بر من مبتدی قابل چشم پوشی باشد بر خانم مساعد بخشیده نمی شود، هم با توجه به سابقه سی ساله شان در شعر، و هم آنچه در این سی سال نصیب شعر فارسی کرده اند. و مشکل انگار در این است که شاعر، همچنان از ذخیره استعداد خود می خورد و کمتر نشانی از جستجو و تربیت ذهنی در فاصله های سفید سطرها سوسو می زند.

اینک ما جن زندگانی حیرانیم

پری زندگانی مفهوم

زیرا که فرصت انتخاب

را نیز از دست داده ایم (ص ۵۲).